■حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
قناعت گنجی است که تمام نمی‌شود.

■اذان ظهر: ۱۲:۱۱ ■غروب آفتاب: ۱۹:۱۹
■اذان مغرب: ۱۹:۳۹ ■نیمه شب شرعی: ۲۳:۲۰
■اذان صبح فردا: ۳:۲۱ ■طلوع آفتاب فردا: ۵:۰۳

روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

■پنجشنبه ۲۸ تیر ۱۴۰۳ ■سال سی‌ودوم ■شماره ۹۱۵۳ ■ جهش تولید با مشارکت مردم

■پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■چاپ: همشهری
■تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■توزیع و اشتراک:
موسسه نشرگستر امروز نوین
■تلفن: ۹۱۳۰۴۱۴۲

■دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■همشهری: www.hamshahrionline.ir
■سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

صفحه آخر

حافظ
اگر به زلف دراز تو، دست ما نرسد
گناه بخت پریشان و دست کوته ماست

صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

■صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■مدیر مسئول: محسن مهدیان
■سردبیر: دانیال معمار
■دبیر تحریریه: مهدی علیپور
■معاونان سردبیر: شهرام فرهنگی، علی عمادی، شاهین امین، حامد فوقانی
■مدیر فنی: حامد یزدانی
■مدیر هنری: مهدی سلامی
■دبیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک:
■مدیر: حسین ارجلو

شهرنگار:
■مدیر: پروانه بهرام‌نژاد
■دبیر: مریم باقرپور

اقتصاد:
■مدیر: محسن امین
■دبیر: مریم موسی‌پور

تماشاگر:
■مدیر: امیرمحمد یعقوب‌پور
■دبیر: لیلی خرسند

ایرانشهر:
■دبیر: زهرا عباسی

تندرستی:
■مدیر: عیسی محمدی
■دبیر: مریم سرخوش

سرنخ:
■مدیر: جواد عزیزی
■دبیر: محمد جعفری

دانستنیها:
■مدیر: ساسان شادمان
■دبیر: زهرا خلجی

سرزمین من:
■مدیر: محمد باریکانی

فرهنگ شهر:
■دبیر: فهیمه طباطبایی

گزارش:
■مدیر: مسعود میر
■دبیر: فاطمه عسگری‌نیا

۲۴ (سینما و تلویزیون):
■مدیر: سعید موتی
■دبیر: علیرضا محمودی

صفحه آخر:
■دبیر: جواد نصرتی

طرح و گرافیک:
■دبیر: محمدعلی حلیمی

خط‌خطی

معلم‌ها سر کلاس خیلی حرف می‌زنند و روزنامه‌نگارها، قلم و حالا ترکیبش، همین می‌شود که می‌خوانید. اینها برگی از یادداشت‌های روزانه یک معلم ساده است و یک روزنامه‌نگار خط‌خطی.

اشک شوق!

سیدسروش طباطبایی‌پور

شب عاشورا، توی حیاط مدرسه، شب دیگ و دیگ‌کشی بود. بچه‌ها از چند هفته قبل، پول روی پول گذاشته بودند و دل روی دل! و خلاصه توی حیاط مدرسه، خیمه امام حسین(ع) را علم کرده بودند. به‌خودشان هم خیلی می‌نازیدند. خب، حق هم داشتند؛ یکی کفش مهمان‌های امام حسین(ع) را جفت می‌کرد و دیگری، چای کمرنگ لاهیجان می‌ریخت. یکی پیازداغ هم می‌زد و دیگری، لپه و گروهی هم گوش‌به‌فرمان آشپز ایستاده بودند تا سر موقع، برنج‌های عاشقی را که خودشان فدای عزاداران امام حسین(ع) کرده بودند، آبکش کنند.

بچه‌ها خیلی به ما معلم‌ها هم میدان نداده بودند؛ یعنی قرارشان این بود که همه کار را خودشان ردیف کنند؛ حتی برای نصب پرچم‌های یاحسین، روی دیوار حیاط و کشیدن سیاهی‌ها، از آقای میرزایی، سرایدار مدرسه هم کمک نگرفته بودند. مداح هم یکی از بچه‌های کلاس نهم بود، دم می‌داد و اشک می‌گرفت. اما سخنران را با وسواس انتخاب کرده بودند؛ پدر یکی از بچه‌ها، استاد دانشگاه بود و محقق. دلشان می‌خواست از او حرف حساب بشنوند. دور حیاط، به فاصله یک‌متر به یک‌متر، پشتی گذاشته بودند تا بچه‌ها راحت بنشینند، اما بیشتر عزاداران، دور صندلی سخنران نشسته بودند. آقای انواری، سخنران عجیبی بود. حرف‌هایش را با پرسش و پاسخ پیش می‌برد و بی‌بلندگو حرف می‌زد. حرف حسابش هم این بود که شب است و همسایه‌ها، شاید بخواهند بخوابند و نباید از صدای او آزار ببینند.

بچه‌ها هم مرام آقای انواری را پسندیده بودند. چند دقیقه‌ای وسط حیاط، پشت سر آخرین صف، رو به آقای انواری نشستم. یکی از بچه‌ها گفت: «خب، پس چرا در این شب عزیز، ما غمگین هستیم؟ حضرت قاسم که می‌گوید درک این لحظات، برای من حتی از عسل هم شیرین‌تر است؟ امام و یارانش که خوشحال بودند، پس چرا این همه‌سال، ما غمگینیم؟ چرا اشک می‌ریزیم؟»

آقای انواری لبخندی زد و گفت: «امام، اسوه انسانیت بود. من که از رفتار امام در مقابل لشکر کفر، به‌خودم می‌نازم، به‌خودم می‌بالم و بسیار بسیار شادم. او به انسانیت، شرافت بخشید. او با رفتارش در ماجرای عاشورا به جهان اعلام کرد انسانی که خداوند به خلقتش می‌نازد، همین انسانی است که حاضر نیست وجودش را به زور و زر و تزویر بفروشد، حاضر نیست حتی عبادت شبانه یارانش، خواب دشمن را آشفته کند، همین انسان بخشنده است که حر، سردار سپاه دشمن را که آب بر فرزندانش بست، به‌سادگی بخشید و...»

مو به تن همه بچه‌ها سیخ شده بود. آقای انواری لحظه‌ای تأمل کرد و گفت: «غم من، از این است که به کدامین گناه، حسین(ع)، نماد انسانیت را اینچنین در کربلا...»

وسط جمعیت، یکی از بچه‌ها آه کشید. یکهو باد وزید. پرچم‌های روی دیوار، خودشان را به در و دیوار زدند. سیاهی‌ها، دلشان لرزید و اشک آسمان در آمد و صورت بچه‌ها خیس خیس شد.

نگاه

داغ دل زمین دوباره فوران کرد

کوه «اتنا» در شمال شرقی جزیره «سیسیل» ایتالیا واقع شده و یکی از فعال‌ترین کوه‌های آتشفشان اروپا و جهان است. سابقه فوران نخستین گدازه‌ها از این کوه به ۳۵۰۰ سال پیش بازمی‌گردد و البته در طول سال‌های اخیر، این اتفاق، به‌شکلی همیشگی رخ داده است.

اما حالا و در این روزها، بعد از ۴ هفته، شدت فوران این آتشفشان دائمی شدت یافته و ابری آتشفشانی به ارتفاع حدود ۵ کیلومتر در آسمان ساخته شده است. مقامات محلی مجبور شدند از پنجشنبه گذشته، فرودگاه این شهر را تعطیل کنند. لایه‌های خاکستر، سطح شهرهای اطراف را پوشانده و مردم مجبورند خاکسترها را از روی زندگی خود پاک کنند.

روز واقعه

روایتی تصویری از عزاداری عشاق حسین(ع) در ظهر عاشورای کربلا

فاطمه عباسی

محرم، حکایت سوگ‌های بی‌پایان است؛ حکایت کتیبه‌های مشکی بالتارات، زخم‌های معطر. حکایت گوشه مجلس، چای روضه، دخیل به چوب منبر. حکایت ریشه دواندن دردی به امتداد رد خون گلوی اصغر...

خون حسین(ع) در بستر زمان می‌جوشد و عزای حسینی در امتداد تاریخ جریان دارد، چه زمانی که عزاداری‌ها در خیابان‌ها برگزار می‌شود و چه زمانی که مردم در خانه‌هایشان بر سیدالشهدا(ع) اشک ماتم می‌ریزند. روز گذشته، روز واقعه در کربلا بود. بین‌الحرمین مملو از جماعت عزادار، روایت غریب کربلا و عاشورایش را به تماشا گذاشته، نوحه‌خوان‌ها کم نمی‌گذارند، صدای روضه، کربلا را برداشته. جماعت گریه می‌کنند، بر سر و سینه می‌زنند، بین حرم حضرت عباس(ع) و امام حسین(ع) هروله‌کنان در رفت‌وآمدند. روز عاشوراست. اینجا سیدالشهدا(ع) صاحب مجلس است، صاحب عزا. زن‌ها گریه می‌کنند، درها گریه می‌کنند، دیوارها گریه می‌کنند و تو نیز برای حسین(ع) گریه کن. تنها برای زخم‌های معطر حسین(ع).

دسته عزاداری طویریج معروف‌ترین دسته عزاداری در ظهر روز عاشوراست. این دسته عزاداری برترین و طولانی‌ترین دسته حسینی است که همه ساله صبح روز عاشورا از شهر طویریج که در ۲۰ کیلومتری کربلا واقع شده به سمت حرم امام حسین(ع) حرکت می‌کنند و در طول مسیر افراد و کاروان‌هایی که قصد ورود به کربلا را دارند با این دسته همراه می‌شوند....

دیروز در عراق روز دهم محرم و روز عاشورا بود و عاشقان حسینی از کشورهای مختلف عربی و اسلامی خود را برای برگزاری مراسم عزا به عراق رسانده بودند. تعداد زائران امام حسین(ع) و حضرت عباس(ع) در روز عاشورا به بالاترین آمار می‌رسید. نیروهای امنیتی عراق نیز از تأمین امنیت مراسم عزاداری سیدالشهدا(ع) در این کشور خبر داده بودند.

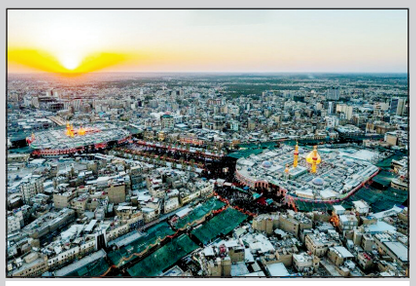

نمایی از طلوع خورشید در بین‌الحرمین در صبح عاشورا توسط عکاسان به ثبت رسیده است.

مراسم بزرگداشت روز دهم محرم از صبح چهارشنبه در حومه جنوبی بیروت در لبنان آغاز شد و مسلمانان وفادار به اهل‌بیت علیهم‌السلام به سمت مجتمع سیدالشهدا(ع) در رویس واقع در حومه جنوبی بیروت رفتند. مراسم بزرگداشت با تلاوت یک جزء از قرآن کریم و قرائت سیره حسینی توسط خطیب منبر حسینی، شیخ علی سلیم آغاز شد و پس از آن راهپیمایی‌ها در روز دهم محرم‌الحرام، روز عاشورا ادامه پیدا کرد.

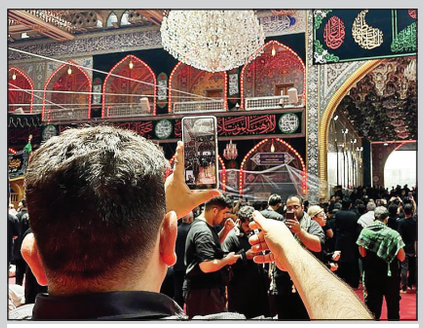

زائران و عزاداران که برای عاشورای حسینی خود را به کربلای معلی رساندند، با برقراری تماس تصویری و ارتباط زنده، دوستان و آشنایان خود را در زیارت حرم و ضریح منور حضرت امام حسین(ع) سهیم می‌کنند.

عزاداران حسینی در کربلا با در دست داشتن پرچم‌هایی بار دیگر حمایت خود را از مردم مظلوم فلسطین اعلام کردند و نشان دادند که مصیبت مردم غزه را نیز فراموش نمی‌کنند. روی یکی از این پرچم‌ها نوشته شده بود: «پایداری غزه از برکات عاشوراست».

عکس خانه

غذای نذری با ظرف

دیگر مثل قدیم نیست که نذری را توی ظرف گلدار چینی بریزند و پخش کنند، حالا دیگر تقاضا برای ظرف‌های یک‌بار مصرف و لیوان‌های کاغذی، در ماه محرم زیاد می‌شود تا شربت‌ها و غذاهای نذری در این ظروف برسد دست عزاداران. اما در خانه یکی از بانیان خیر که هر سال در دهه اول محرم به تعداد ۱۰۰ عدد نذری می‌پزد، خبری از ظرف‌های یک‌بار مصرف نیست، قیمه‌های نذری با قابلمه در خانه خانواده‌های بی‌بضاعت برده می‌شود تا بعد از خوردن غذا، از قابلمه هم استفاده کنند.

روایت ثبت یک حادثه

در چند روز گذشته عکسی از لحظات پس از سوءقصد به جان رئیس‌جمهور سابق آمریکا در فضای مجازی پربازدید شده که مجله آتلانتیک این عکس را «یکی از ترکیب‌بندی‌های بزرگ در تاریخ عکاسی آمریکا» توصیف کرده و یک روزنامه‌نگار ارشد نیویورک تایمز آن را «اوج کار عکاس خبرنگاری» از تصویری کاملا قاب‌بندی شده از یک خبر فوری تاریخی خوانده است. عکاس این تصویر ایوان ووچی، عکاس ارشد خبرگزاری آسوشیتدپرس است که لحظه‌ای تاریخی و نادر را به تصویر کشیده است: دونالد ترامپ با مشت گره کرده در حالی که لحظاتی پیش گلوله‌ای گوش او را خراش داده، آسمان آبی روشن و پرچم آمریکا در پس‌زمینه تصویر و چهره‌های مأموران سرویس مخفی آمریکا در لحظات پر اضطراب در حالی که خطی از خون از گوش ترامپ به سمت گونه‌اش جاری است. ووچی که از زمان کاندیداتوری ترامپ خبرهای مربوط به او را پوشش می‌دهد و در سال ۲۰۲۰ برای عکسی از اعتراضات پس از مرگ جورج فلوید برنده جایزه پولیتزر شد، درباره این لحظه می‌گوید: «صدای شلیک‌ها را شنیدم و به سمت صحنه سخنرانی دویدم. مأموران سرویس مخفی از همه جهات به سمت ترامپ می‌آمدند و تلاش می‌کردند دور او حلقه بزنند. من به سمت جلوی صحنه سخنرانی رفتم و شروع کردم به عکاسی از هر چیزی که می‌توانستم.»

او توضیح می‌دهد که در چنین لحظاتی، باید سریع و متمرکز بود: «پیش‌بینی، کلید این شغل است.» ووچی می‌گوید که در آن لحظه تنها به ثبت بهترین تصویر ممکن فکر می‌کرده. این عکس نه تنها لحظه‌ای تاریخی را ثبت کرده، بلکه نشان‌دهنده قدرت و تأثیرگذاری عکاسی خبری در ثبت و انتقال احساسات و وقایع به مخاطبان است.

گرینویچ

رقابت المپیک در میدان مد و لباس!

هنوز چند روز به آغاز مراسم افتتاحیه بازی‌های المپیک ۲۰۲۴ پاریس مانده، اما به‌نظر می‌رسد رقابت در این بازی‌های جذاب میان کشورها آغاز شده؛ البته نه در زمین ورزش، بلکه در میدان مد و لباس! نشانه‌اش توفانی است که در شبکه‌های اجتماعی به پا شده، آن هم درست از زمانی که کشور مغولستان از پوشش سنتی ورزشکارانش در مراسم افتتاحیه پرده برداشت؛ جلیقه‌هایی پر از طرح‌های برجسته سنتی، همراه با رنگ‌های ملی آبی، قرمز و سفید همراه با نماد «سویومبو» که در پرچم این کشور نیز حک شده است. این پوشش‌های جذاب را «میشل آمازونکا» طراحی کرده و معتقد است این پوشش، جوهر سنت و فرهنگ مغولستان را به جهانیان نشان می‌دهد. قرار است ورزشکاران مغولستانی همراه با این پوشش سنتی، کمربند، چکمه و کلاه سنتی هم بپوشند. در این پوشش‌ها، نمادهای المپیک هم به چشم می‌آید. طراح این لباس می‌گوید برای دوخت و آماده‌سازی هر لباس، لااقل ۲۰ ساعت زمان صرف شده است. برخی پست‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی به معرفی پوشش سنتی ورزشکاران مغولستانی پرداخته، بیش از ۲ میلیون بار دیده شده است.

محرم‌نامه

میراث‌دار کربلا

در تقویم، فاصله شهادت امام حسین(ع) تا امام سجاد(ع) ۲ روز است، اما در تاریخ اسلام دوران امامت امام چهارم، ۳۴ سال و ۲ روز است. این دوران یکی از عجیب‌ترین مقاطع تاریخ اسلام و تشیع است. عصر عاشورا، امام سجاد(ع) تنها مرد بنی‌هاشم بود و فاصله قطع‌شدن رشته امامت تا ادامه آن هم، تنها یک جمله بود: «این جوان بیمار است»؛ جمله‌ای که حمیدبن مسلم -وقایع‌نگار حادثه عاشورا- به شمر گفت؛ شمری که با شمشیر آخته وارد خیمه امام شده بود و آماده شرارت بیشتر.

قرار بود خطبه نماز جمعه شام را امام سجاد(ع) بخواند. یزید مانع شده بود اما به اصرار مردم بالاخره امام بالای منبر رفت: «هر کس که مرا شناخت که شناخت، ولی برای کسانی که نشناخته‌اند می‌گویم، من فرزند مکه و منا هستم، من فرزند زمزم و صفا هستم، من فرزند کسی هستم که حجرالاسود را با ردایش جابه‌جا کرد و در جای خود گذاشت. من فرزند بهترین کسی هستم که طواف و سعی و حج انجام داد، من فرزند محمد مصطفی(ص) و علی مرتضی(ع) هستم. من فرزند فاطمه زهرا(س) بانوی بانوان جهانم...» صدای گریه و زاری مردم بلند شده بود. یزید دستور داد اذان بگویند تا کلام امام قطع شود. موذن گفت: «الله اکبر»، امام فرمود: «هیچ چیز بزرگ‌تر از خدا وجود ندارد». گفت: «اشهد ان لا اله الاالله»، فرمود: «مو و پوست و گوشت و خونم به یکتایی خدا گواهی می‌دهد». گفت: «اشهد ان محمدا رسول‌الله»، امام فرمود: «تو را به حق این محمد چند لحظه صبر کن»، بعد رو به یزید فرمود: «این محمد جد من است یا تو؟ اگر بگویی جد توست که دروغ گفته‌ای و اگر جد من است، پس چرا پدرم را کشتی و اموال او را غارت کردی و خاندانش را به اسارت گرفتی؟» ولوله بین مردم افتاده بود. یزید فریاد زد که موذن اذان را تمام کند و نماز را شروع کرد. جمعیت نماز نخوانده، رفته بودند...

خوش خبر

بخشش در روز عاشورا

چند سال بود که پاشنه در خانه خانواده مقتول را از جا کندند؛ آنقدر که رفتند و آمدند و التماس کردند که پسرشان را ببخشند. می‌دانستند جانی گرفته شده و عزیزی از این دنیا رفته اما یک جان دیگر گرفته شود، نفس آن عزیز از دست رفته که بر نمی‌گردد، بر می‌گردد؟ این جمله تکراری را ده‌ها بار در گوش مادر و خواهر و برادر مقتول خواندند تا رضایت بگیرند. نشد که نشد. پیگیری‌های ستاد صبر و صلح یار ویژه استان هرمزگان فایده‌ای نداشت و قرار بود حکم قصاص و اعدام متهم به قتل، فردای روز عاشورا برگزار شود و تمام. اما به برکت نام سیدالشهدا(ع) در ظهر عاشورا، خانواده مقتول از حق خود مبنی بر قصاص گذشتند و با پیوستن به پویش «به عشق حسین(ع) می‌بخشم» قاتل را بخشیدند.

منبر مطالبه‌گر در خوزستان

منبر فقط جای سخنرانی یا مداحی نیست؛ بلکه می‌تواند سرآغاز کمک به مردم باشد آن هم با چند تلفن ساده. ماجرا از این قرار است که سخنران آماده بود برای خواندن روضه عطش. شب هفتم ماه محرم بود و مسجد جای سوزن انداختن نبود. مردم نجیب اهالی محله فلکه سیدجاسم و بهزیستی اهواز خسته از قطعی‌های مکرر آب آمده بودند برای عزاداری که یک اتفاق باعث شد آن شب مجلس حال و هوای دیگری بگیرد و در کنار روضه و موعظه، روحانی مجلس پیگیر مشکل مردم شود و بالای منبر، پای شهردار و مدیرکل آبفا را هم به مجلس باز کند. این اتفاق با ورود حجت‌الاسلام موسوی‌فرد، نماینده ولی‌فقیه و استاد شبکه تربیتی صالحین خوزستان به مجلس آغاز شد و گفت چرا یک‌ماه است که مشکل هنوز حل نشده؟ امام جمعه اهواز بالای منبر شروع کرد به پیگیری. به شهردار اهواز زنگ زد. تماس با مدیرکل آبفای استان خوزستان هم پیگیری بعدی بود. صدای مردم را شنید و همان لحظه به گوش مسئولان رساند. اینکه یک ماه است مردم محدوده فلکه سیدجاسم و بهزیستی مشکل قطعی آب دارند؛ آن هم روزی ۱۰ تا ۱۲ ساعت. قرار شد همین منبر، منبری باشد برای پیگیری این مطالبه تا حل مشکل و تا باد چنین بادا.